

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان - اسد ۱۴۰۰  
۱۹ می ۲۰۲۲



## با مبارزه ایدئولوژیک می‌توان فساد ایدئولوژیک را ریشه‌کن کرد! (۵)

### مبارزه ایدئولوژیک، رفیقانه یا مستبدانه؟

وقتی در یک سازمان، سانترالیزم دموکراتیک به فراموشی سپرده شود و دیکتاتوری فردی، نپیوتیزم، اندیوال‌بازی، سلیقه‌بازی، فحش و دشنام، توهین و تحقیر و خودخواهی و شخصیت‌سازی‌ها و قهرمان‌بازی‌های کاذب جای آن را بگیرد و این فاجعه تا سطح یکی از فکتورهای عمده جنایت‌ها و خیانت‌های درونی عمق پیدا کند، حرف زدن از مبارزه ایدئولوژیک در چنین تشکلی به فکاهی شباهت پیدا می‌کند.

نام مستعار هیاهو، غضب، تهدید و پتکه فرد اول و اصحاب او در درون «سازمان رهائی»، مبارزه ایدئولوژیک بوده است. پرواضح است که مبارزه ایدئولوژیک بدون سانترالیزم دموکراتیک معنی ندارد. در تشکیلاتی که سانترالیزم دموکراتیک موجود نیست، چنانچه تذکر رفت لگد زدن، میرغضب شدن و بدزبانی کردن، توهین و تحقیر فرد اول متأسفانه با اصطلاح زیبای مبارزه ایدئولوژیک لاپوشانی می‌شود و به همین خاطر «مبارزه ایدئولوژیک» «سازمان رهائی» همیشه با واژه‌های «گه»، «گوز»، «بادرفتن»، «طبق‌خوری»، «خرشدن»، «پدرلغنتی» و «خارشی و گرمی» همراه بوده و گاه برای رعب و ترس منسوبان، «سر زیر بال کردن»، «در قفس انداختن» و «سرب» و «مشت» و «طناب» و «بستن» هم اجزای متعارف این «مبارزه» بوده است. لابد اصل مبارزه - وحدت - مبارزه آن سازمان چنین امری را لازمی می‌سازد!!

در «سازمان رهائی» بدون شک «مبارزه ایدیولوژیک» وجود داشته است؛ اما این مبارزه حق انحصاری فرد اول و حق مشروط اعضای مرکزیت مادام‌العمر بر صفوف بوده است. فرد اول حق داشته و دارد که با هر زبان و هر شیوه‌ای که بخواهد اعضای مرکزیت و حواریون را بی‌آب، توهین، تحقیر و خوار و ذلیل کند. عده‌ای از اعضای مرکزیت این «مبارزه» را سودمند حال شان دانسته و برای خود «حل» می‌کنند، عده‌ای زیر بار فحش او عرق کرده بنابر ملاحظاتی و ملحوظاتی به سکوت تن می‌دهند. وقتی اعضای مرکزیت زیر بار سنگین تحقیر کردن‌های فرد اول بی‌شخصیت می‌شوند، برای اعاده شخصیت شان در صدد جبران آن از طریق تحقیر صفوف سازمان می‌برآیند که این سیکل و دوران را همه شاهد بوده اند.

وضعیت ناهنجار مبارزه ایدیولوژیک آن سازمان را از تازه‌ترین مواردی نقل می‌کنیم که سه عضو پیشین مرکزیت این سازمان به آن پرداخته اند. برای آگاهی بیشتر، ضمن پرداختن به گذشته این مبارزه به سراغ سند «با درس گیری...» نیز می‌رویم:

«م.د.» می‌نویسد: «در سال ... یعنی زمانی که «بهار عرب» طلوع نمود و فیسبوک و کامپیوتر نیازی به وجود عناصر خسره کار و تفنگ بردار نداشت بعد از تحمل تحقیر و توهین فراوان (طی آخرین جلسات) به گوشه ای دور افکنده  
«طرده» (شدم.)»

مبارزه ایدیولوژیک در سازمان‌های انقلابی بر فورمول مبارزه - وحدت - مبارزه استوار است، نه توهین و تحقیر و دور افکندن‌ها. هدف از مبارزه ایدیولوژیک بهبود، اصلاح، پاکیزگی ایدیولوژیک و استحکام تشکیلات است. توهین و تحقیر رفقاء، اربابی را جاگزین رفاقت انقلابی می‌کند که نه تنها آموزنده و اصلاحی نیست و سبب استحکام تشکیلات نمی‌شود، که بی‌اعتمادی، عقده و کینه را افزایش می‌دهد. توهین و تحقیر مبارزه ایدیولوژیک نیست، بلکه نمونه درشت کلتور باندیستی است. با کلتور باندیستی نمی‌توان سازمان انقلابی با اسلوب و شیوه رفیقانه داشت و اعتماد سازمانی را در ساختار افقی و عمودی جا انداخت.

با تأمل بیشتر در یادداشت «م.د.» می‌توان فاجعه دردناک تعطیل مبارزه انقلابی را در «سازمان رهائی» به خوبی دید. خمار «بهار عرب» از یک سو و نشئه امکانات پولی از سوی دیگر که با نبود مبارزه ایدیولوژیک انقلابی و تیولاری تشکیلاتی همراه شده است؛ وضع را چنان ابتر ساخته که آن سازمان پولدار دیگر نه نیاز به عناصر «خسره کار» دارد و نه هم «تفنگ بردار». این دو با بهانه‌های واهی باید طرد شوند تا فیس‌بوک چلوونکی و وب سایت‌بازان زیر مرحمت فرد اول تا سطح رهبری برسند.

همه به یاد داریم که در «سازمان رهائی» به اصطلاح مبارزه ایدیولوژیک با خاین خطاب کردن‌ها همراه بوده است. قریب به اکثریت مخالفان فرد اول با خاین خطاب شدن از سازمان طرد شده اند. «مبارزه ایدیولوژیک» مهندسی شده برای این بوده که منتقدان قوی و توانا و یا آنانی که کارنامه‌های خوبی در سازمان داشته اند، مورد توهین و تحقیر مدیریت شده قرار گیرند. هدف «مبارزه ایدیولوژیک» آن سازمان اصلاح نه، بل سند گرفتن بوده است. به این منظور جمع‌شدهای سلیقه‌ئی، مهندسی شده با سطح نازل در برابر منتقد سازمان قرار داده می‌شود و صداها ثبت می‌گردد. اگر آن سازمان علاقه مند واقعی مبارزه ایدیولوژیک پایدار و سازنده و رفیقانه می‌بود، می‌توانست برای بحث‌های درونی امکانات فراوان فراهم سازد، از جمله روی‌دست گرفتن نشریه داخلی برای یک مبارزه ایدیولوژیک مؤثر و رفیقانه و دامن زدن به بحث‌های ایدیولوژیک سالم. اما این کار برای حاکمیت فرد اول خطر داشت و دارد، زیرا می‌داند افرادی را پیرامون بحث‌های منتقد او جمع می‌کند. ما به یاد داریم که چگونه یادداشت‌های «اکبر» برای حاکمیت فرد اول خطر

آفرید و عده‌ای را پیرامون بحث‌های او گردهم آورد که او و اصحابش ضمن توهین و تحقیر او و همفکرانش، با فشارهای گوناگون یا سبب انزوا و یا هم اخراج منتقدان از سازمان شدند.

با در نظر داشت این تجارب دردناک بیجا نیست که «ح.ن» می‌نویسد: «در سازمان ما خائن گفتن از طرف برخی رفقاء آنقدر ساده و آسان می‌باشد که خوردن کشمش نخود آن قدر ساده نیست...»

«سازمان رهائی» تنها محلی است که در آنجا مفهوم مبارزه ایدئولوژیک در کوبیدن رفقاء به نام خاین خود را متجلی می‌سازد. خاین خواندن منتقدان تحت نام مبارزه ایدئولوژیک در یک سازمان انقلابی مضحک به نظر می‌رسد. در سازمانی که تحت فشار، توهین، تحقیر و شکنجه روحی- روانی واداشته می‌شوید که اشتباه را تا مرز خیانت بپذیرید، بدانید که با هرچه روبه رو هستید جز مبارزه ایدئولوژیک انقلابی و اصولی. خاین خطاب کردن در مبارزه ایدئولوژیک یا برای ایجاد رعب و ترس در منتقد است تا به سکوت تن دهد یا خود را از شر و غم منتقد بی‌غم ساختن است. هر دو مورد در «سازمان رهائی» به گونه وافر ملاحظه شده است. هدف از مبارزه ایدئولوژیک در این سازمان، رفیق سازمانی را متوجه ساختن اشتباه و لغزش نیست، بل شکستن غرور و شخصیت او است و بیجا نیست که از صداهای توهین به او «کاسیت» پشت «کاسیت» ثبت می‌شود.

هر آئینه سانترالیزم دموکراتیک در یک سازمان تعطیل شده باشد، مبارزه ایدئولوژیک به کاریکاتور تبدیل می‌شود. تصور کنید در یک تشکل سال‌های سال مبارزه کرده اید، تفنگ‌بردار بوده اید، به خشم‌کاری شانه داده اید؛ اما حال تیولدار سازمان که رأی اعتماد اعضا را با خود ندارد و سال‌های سال یکه‌تازی کرده، بدون این که خم به ابرو بیاورد در هر جلسه و ناجلسه کلمه خاین را چنان در حق تان نشخوار می‌کند تو گویی به گفته «ح.ن» کشمش نخود می‌خورد.<sup>1</sup> «ح.ن» ادامه می‌دهد: «چندین سال قبل چون همراه این رفیق به حساب کار تشکیلات بحث بود بالای چهار رفیق شک نموده و آن چهار رفیق را چهار کلاه و انشعابی گفت... این را تحمل خواهیم کرد که مدتی از کار سازمان بدور گذاشته شدیم که باز هم فکر شخصی خودم اینست که این شیوه و شک کردن رفیق «ن» می‌باشد و در اوایل جلسات گفت که برای شما دیگر کار سپرده نمی‌شود.»

از این قطعه و طرد این سه تن از سازمان، می‌توان چند مورد را به خوبی استنباط کرد: (۱) انتظار فرد اول برای فرصت انتقام‌گیری از «کلاه‌های انشعابی»؛ (۲) لیبرالیزم دیکتاتورمابانه فرد اول که پایه آن را شک فردی او می‌سازد؛ (۳) نظم خیالی تشکیلاتی که بر «تقدس» فرد اول تا سطح اسطوره‌بازی بنا شده که هر نوع خلل در اعتقاد و شک بر این «اسطوره» باعث فروپاشی نظم خیالی حاکمیت او می‌شود؛ (۴) تنزل یک سازمان جمعی تا سطح یک شرکت فردی که مدیر عامل حق دارد به کی چه کاری بسپارد و یا هیچ نسپارد؛ و (۵) حضور صفوف لال و گنگ با حاکم هرکاره و شکاک و انتظار این صفوف برای تعیین سرنوشت به وسیله حاکم. هر پنج مورد شایسته یک سازمان انقلابی نیست. چنین طرز دید در یک شرکت سهامی می‌تواند وجود داشته باشد، نه در یک سازمان کمونیستی. فرهنگ سازمان‌های کمونیستی، فرهنگ پیشرو مبنی بر احترام، اعتماد، اعتبار و حمایت است. در سازمان‌های کمونیستی انتقام‌گیری از رفقاء قطعاً ارتجاعی است و لیبرالیزم توأم با توطئه با روحیه یک سازمان پیشاهنگ سازگاری ندارد.

<sup>1</sup> برای روشن شدن بیشتر موضوع خاین و مبارزه خوانندگان را به خواندن رساله «خاین کیست، مبارز چه کسی است؟» از سازمان انقلابی افغانستان که در میزان ۱۳۸۸ به نشر رسیده، راجع می‌سازیم.

به بیان وضعیت اسفناک «مبارزه ایدیولوژیک» در «سازمان رهائی» ادامه می‌دهیم. «حمزه» یکی از منتقدان فرد اول این وضعیت را چنین بیان می‌کند: «متأسفانه این رفیق هم هر چه توهین و تحقیر که یاد داشت (خواست تا) مرا قانع سازد تا ندادن زمین را ضعف ایدیولوژیک بپذیرم و از خود انتقاد نمایم.»

ملاحظه می‌کنیم که فرد اول تلاش می‌کند با توهین و تحقیر «رفقای» خود را در «مبارزه ایدیولوژیک» قناعت دهد تا ضعف ایدیولوژیک خود را بپذیرند، اما هیچ بنده خدا پیدا نمی‌شود که به جناب عالی بفهماند که توهین و تحقیر رفق، جدی‌ترین ضعف ایدیولوژیک یک انقلابی است که از خودخواهی لجام گسیخته، تکبر، تفرعن و خود بالابینی ناشی می‌شود. در عوض چند نفری که مدیون فرد اول هستند این اخلاق نافرهیخته او را از لحاظ مضمون درست و انقلابی می‌دانند!!

با در نظر داشت فهمی که از مبارزه ایدیولوژیک سازمان‌ها، احزاب و تشکلات انقلابی در جهان داریم، در هیچ جایی دیده نشده است که عضو یک تشکیلات با توهین و تحقیر قناعت داده شده باشد تا ضعف ایدیولوژیک خود را بپذیرد؛ تنها جایی که می‌توانیم چنین موردی را سراغ نماییم، متأسفانه «سازمان رهائی» است. کشف پذیرفتن ضعف ایدیولوژیک از راه توهین و تحقیر و دشنام، حق انحصاری فرد اول آن سازمان در «مبارزه ایدیولوژیک» است. اما سؤال کلیدی اینست که آیا وضعیت مبارزه ایدیولوژیک «سازمان رهائی» بهبود یافته یا پس‌رفت داشته است؟ برای پاسخ به این سؤال به عقب برمی‌گردیم و وضعیت مبارزه ایدیولوژیک این سازمان را در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۷ مقایسه می‌کنیم:

«سازمان رهائی» در سند ضربات سال ۱۳۶۵ می‌نویسد: «گاهی افکار و اعمال خابین خالد آغشته به اشتباهات جدی بود که آنطوری که به آنها متقابلاً جدی و قاطع برخورد نمی‌شد.»، «واقعیت این است که همین رفق زمانی که خابین منکور (جاوید) بر خر مرادش سوار بود، سکوت، سازش و تأنید در برابر وی را پیشه ساخته بود.»

پاراگراف فوق نشان‌دهنده عدم مبارزه سالم ایدیولوژیک در «سازمان رهائی» آن زمان است که از فقدان سانترالیزم دموکراتیک ناشی می‌شود و بیجا نیست که این سازمان نتیجه می‌گیرد که «سیاست محافظه کارانه و تسلیم طلبانه بر سازمان حاکم» بود و بالاخره درسی که از این سیاست تسلیم‌طلبانه می‌گیرد اینست که «آن اشتباهات و عواملی را پیدا کند که در اثر آن خائنانی تا رهبری در سازمان رخنه و نفوذ کردند و چرا... این خائنان ناشناخته مانده بودند؟»

آیا «سازمان رهائی» از این رویدادهای خونین درس گرفت؟ پاسخ به این پرسش منفی است. «سازمان رهائی» نه تنها درس نگرفت، بل عاملی را که می‌توانست مانع خیانت‌های بعدی در سازمان شود چنان بی‌رحمانه دفن کرد که با گذشت زمان سایه تیره استبداد و سلیقه فردی بر سازمان چیره گشت و مبارزه ایدیولوژیک هم تا سطح «طبق‌خوری» تنزل یافت.

ادامه دارد